



پروفسور و استاد بازنشسته  
علوم منظر، مدرسه ملی  
عالی منظروسای-مارسی،  
فرانسه

## منظر به مثابه دارایی مشترک

در یک کشور "است (بیانی که در قرن نوزدهم مورد استفاده جغرافیای انسانی قرار گرفت)؛ (Luginbuhl, 2012)، منظر عبارت‌است از "نمودهای فضای نقاشی و ادبیات یک کشور" (از قرن شانزدهم در غرب و قرن چهارم م. در آسیا)؛ (Roger, 1997)، منظر "موضوع برخی علوم طبیعی" است (جغرافیای زیستی، اکولوژی منظر و سایر رشته‌های مربوط به محیط)؛ (Collot, 2011)، منظر "تجربیات حساس از جهان" (Decamps & Decamps, 2004) است که پدیدارشناسی قرن بیستم آن را تثویز کرده، و در آخر منظر، اصلاح جدید "پروژه منظر" است که معماران و مهندسیین منظر از آن استفاده و در اوایل قرن ۲۱ آن را تثویز کرده‌اند (Berque, 2008).

پروژه منظر که برآمده از هنر باغسازی و معماری است، به ابزار ساماندهی فضای مسکون بدل شد. این نوع پروژه توانایی به نمایش درآوردن ایده یا کانسپت برآمده از شرایطی خاص (مثلاً شرایط خاص مربوط به یک سایت یا یک برنامه) و یا از بسترهای فرهنگی طراح را داراست. این موضوع در مرحله ارزیابی توانمندی‌های علمی و حرفه‌ای مسئول پروژه اهمیت پیدا می‌کند

However, for the law and ethics, the common good means one or more shareable by members of community moral values happiness, well-being, solidarity, justice, education, wealth, etc...) under various tangible and intangible forms according to history and cultures.

Applying the concept of common good landscape requires mobilizing the two meanings: the resource (hardware and as perceived) with the value (as claimed).

Common landscaped property is then a new concept for describing the relationship between physical space and men perceive, producing it and living there which means any noticeable physical space, directly or indirectly and it is considered with moral and aesthetic values as a collective, not just individual perspective.

The common good presupposes landscaped firstly a territorial geographical area, for instance national, sub-national or supra, on the other hand human groups which place can acquire a collective sense. In practice it is a thought and supported by its inhabitants as a draft living environment with the government concerned areas.

Insofar as the West continues personal utopian ideals especially happy life, and that the East meets accompany the movement of life without ideals

un bien commun (le sable de la plage) peut devenir public (le domaine public maritime) ou privé (la plage d'un hôtel).

En revanche, pour le droit et l'éthique, le bien commun désigne une ou plusieurs valeurs morales partageables par les membres d'une communauté (le bonheur, le bien-être, la solidarité, la justice, l'éducation, la richesse, etc.) sous des formes matérielles et immatérielles diverses selon l'histoire et les cultures.

Appliquer la notion de bien commun au paysage suppose de mobiliser les deux acceptions : la ressource (matérielle et telle que perçue) avec la valeur (telle qu'elle est revendiquée).

Le bien commun paysager est alors un concept nouveau qui permet de décrire les relations entre l'espace matériel et les hommes qui le perçoivent, le produisent et y vivent. Il désigne tout espace matériel perceptible, directement ou non. Celui-ci est jugé avec des valeurs morales autant qu'esthétiques dans une perspective collective et non seulement individuelle.

Le bien commun paysager suppose d'une part un périmètre géographique territorial, par exemple national, supra ou infra national, d'autre part des groupes humains pour lesquels les lieux peuvent acquérir un sens collectif. En pratique c'est un milieu pensé et pris en charge par ses habitants comme

● تفکرات و عملکردهای ساماندهی فضا با تغییرات بزرگ جوامع روبرو هستند. شهری شدن همگانی فرهنگ‌ها در بستری از بحران‌های پی‌درپی، میان روستایی و شهری، تفکر در مورد دوگانگی میان طبیعت و مصنوع و میان محلی و جهانی را به میان می‌کشاند. در این گود، آیا منظر که میراث فرهنگ‌های اروپایی و آسیایی است، نباید به‌عنوان یک رشته علمی آکادمیک آموزش داده شود؟ آیا منظر به‌عنوان مکان زیست انسانی و غیرانسانی نمی‌تواند به مثابه دارایی مشترک سرزمین‌ها ساخته شود؟

### ● منظر: میراثی که باید بازدید شود

منظر نشان‌دهنده آن چیزی است که حواس پنج‌گانه ما از جهان درک می‌کند. علی‌رغم این ظاهر ساده، مفهوم بسیار پیچیده‌ای را نهان می‌دارد زیرا بازگوکننده پنج‌گونه متفاوت از رابطه انسان با جهان‌های مادی و غیرمادی و با مکان زیست انسانی و غیرانسانی است. از نظر تاریخی، منظر به‌خصوص در شمال اروپا مبین "قلمرو مسکون یک گروه اجتماعی

of humanity, pragmatic and democratic construction of a common living environment territorialized is it not for an alternative in a globalized economy1?

### Endnote

1. Two philosophers are mentioned here: Dewey, 2000 / Jullien, 2005

### Reference list

- Berque, A. (2008). *La pensée paysagère*. Paris : ArchiBooks, coll. Crossborders.
- Collot, M. (2011). *La pensée-paysage*. Arles: Actes Sud.
- Decamps, H. & Decamps, O. (2004). *Au printemps des paysages*. Paris: Buchet-Chastel, Ecologie.
- Dewey, J. (2000). *Le public et ses problèmes*. Paris : Folio essais.
- Donadieu, P. (2012). *Sciences du paysage, entre théories et pratiques*. Paris : Lavoisier, chapitre 12.
- Jullien, F. (2005). *Nourrir sa vie à l'écart du bonheur*. Paris : Seuil.
- Luginbuhl, Y. (2012). *La mise en scène du monde, construction du paysage européen*. Paris : CNRS.
- Roger, A. (1997). *Court traité du paysage*. Paris: Gallimard.
- Tiberghien, G. & Besse, J. M. (2004). *Hodologique, suivi de quatre notes conjointes*. in Les carnets du paysage, (11).

projet de milieu de vie avec les pouvoirs publics concernés.

Dans la mesure où l'Occident poursuit des idéaux personnels de vie heureuse surtout utopistes, et que l'Orient se satisfait d'accompagner le mouvement de la vie sans idéaux d'humanité, la construction pragmatiste et démocratique d'un milieu commun de vie territorialisé n'est-elle pas pour tous une alternative dans une économie mondialisée1?

### Note de fin

1. Je fais référence ici à deux philosophes : Dewey, 2000 / Jullien, 2005

### Liste de référence

- Berque, A. (2008). *La pensée paysagère*. Paris : ArchiBooks, coll. Crossborders.
- Collot, M. (2011). *La pensée-paysage*. Arles: Actes Sud.
- Decamps, H. & Decamps, O. (2004). *Au printemps des paysages*. Paris: Buchet-Chastel, Ecologie.
- Dewey, J. (2000). *Le public et ses problèmes*. Paris : Folio essais.
- Donadieu, P. (2012). *Sciences du paysage, entre théories et pratiques*. Paris : Lavoisier, chapitre 12.
- Jullien, F. (2005). *Nourrir sa vie à l'écart du bonheur*. Paris : Seuil.
- Luginbuhl, Y. (2012). *La mise en scène du monde, construction du paysage européen*. Paris : CNRS.
- Roger, A. (1997). *Court traité du paysage*. Paris: Gallimard.
- Tiberghien, G. & Besse, J. M. (2004). *Hodologique, suivi de quatre notes conjointes*. in Les carnets du paysage, (11).

(Tiberghien & Besse, 2004).

• **ساخت منظر به مثابه دارایی مشترک موجودات زنده**

ایده دارایی مشترک، تمامی عناصر مادی و غیرمادی را که می‌تواند برای موجودات زنده (انسان یا غیرانسان) حاوی خوبی‌های خواسته شده باشد، گرد هم می‌آورد و نشان‌دهنده دو ایده متمایز است: ابتدا از نقطه‌نظر اقتصاددانان و وکلا، دارایی مشترک، "منبعی در دسترس همگان است اما با امکان رقابت و ریسک تخریب". دارایی مشترک در این نقطه‌نظر، با هوایی که تنفس می‌کنیم، آبی که می‌نوشیم یا سواحلی که در آن لذت می‌بریم نمود پیدا می‌کند. این دارایی‌های مشترک با دارایی‌های عمومی<sup>۱</sup> متفاوتند. دارایی‌های عمومی نیز در دسترس همگان (یا حداقل بیشترین افراد) است اما رقابت در آن ممکن نیست. اینها، خود، از دارایی‌های گروهی<sup>۲</sup> که تنها در دسترس گروهی خاص قرار دارند (مثال آن مالکیت مشترک یک مجموعه مسکونی است) و دارایی‌های خصوصی<sup>۳</sup> تمیز پیدا می‌کند. باید به یاد داشته باشیم که خدمات عمومی با دارایی عمومی اشتباه نشود. خدمات عمومی ممکن است توسط عاملین خصوصی تأمین شود (مانند سیستم توزیع آب آشامیدنی، خدمات امنیتی، آموزشی و بهداشتی). در شرایطی، یک دارایی مشترک (ماسه‌های ساحل) ممکن است به یک دارایی عمومی (حوزه دریایی عمومی) و یا حتی خصوصی (ساحل یک هتل) بدل شود. ایده دوم از نقطه‌نظر قانون و اخلاق است که در آن، دارایی مشترک عبارت است از "یک یا چند ارزش اخلاقی به اشتراک گذاشته شده میان اعضای یک گروه اجتماعی (خوشبختی، سلامتی،

روش "تحلیل خلاق" برنارد لاسوس، وضع موجود را شناخته و از طریق تصویرسازی پروژه، امکان شکوفایی آن را فراهم می‌کند. پروژه مشترک (یا اجماعی) منظر، "گروه اجتماعی درک سرزمین" را به اندازه مادیت آن در تمامی مقیاس‌های زمان و فضا می‌سازد. پروژه منظر امکان رشد و نمو تجربیات حساس فردی و جمعی را از طریق ساخت روایت متناسب با آن در شرایطی فراهم می‌کند که برای نوع آن (طبیعت) تصمیم نمی‌گیرد (موضوع آزاد است). پروژه منظر در عین حال پاسخ‌های مادی و فنی برای پیش‌بینی ریسک‌های محیطی محلی و جهانی (تنوع زیستی، انرژی‌های غیرفسیلی (Donadieu, 2012)، گرمایش کره زمین، سیل، تخریب منابع طبیعی) و اجتماعی (از دست رفتن حس تعلق محلی، طبقاتی شدن اجتماع در فضا، بی‌اعتمادی در کیفیت تغذیه و غیره) ارائه می‌دهد. آنچه مفهوم منظر از طریق بعد ابزاری خود می‌گوید و تضمین می‌کند، چهار روی تاریخی دارد: قلمرو، تخیل، محیط و تجربه محسوس. مفهوم منظر اینها را چنان محکم وحدت می‌بخشد تا نتیجه این دارایی مشترک خواسته شده، شکل ساختارمند داشته باشد. فرارفتن از این مفاهیم به ارث رسیده از منظر، به پذیرش "یگانگی" آنها (آنچه درک می‌کنم برای من یگانه و حقیقی است) و "تنوع" فهم‌های ممکن سایر افراد منتهی می‌شود. حال، منظر که همان جهان محلی‌ای است که با آن وجود داریم، می‌تواند به دارایی مشترکی بدل شود.

The «inventive analysis» recommended by Bernard Lassus recognizes the existing situation and reveals the possibility (by imaging the project). The collective (or societal) landscape project builds community perception of the territory as well as its materiality, at all scales of space and time. It helps in building the appropriated account of this construction, the development of sensitive and individual and collective experiences without deciding the nature (the subject is free). It simultaneously provides practical and technical solutions to prevent local and global environmental risks (biodiversity, energy post oil, global warming, floods, and destruction of natural resources) and social (local amnesia, social segregation in space, loss of confidence in quality of food, etc...).

That said, promising the idea of landscape by its instrumental dimension contains four other historical facets (the territory, the imaginary, the environment and the sensory experience). She meets firmly so that the built forms are the purpose of the desired common good.

Exceeding these notions inherited from landscape returns to simultaneous recognize of their uniqueness felt (what I perceive is my one true) and the diversity of possibility by other understandings.

The landscape, which is the local world with which we exist, may be-

come a common good.

• **Building landscapes as common good to living beings**

The idea of the common good has all the tangible and intangible elements that bring expected benefits to men and non-human living. It refers to two distinct ideas.

According to economists and lawyers, the common good is a resource available to all, but with a possible competition and risk of destruction of the property. We talk generally common as the air we breathe, the water we drink and the beaches where we can sun bathe property.

They are different from public goods available to all (or many) without competition possible in principle and non-market. They are distinct from property clubs accessible to a group (for example, a real estate ownership) and private property.

Recall that the public service should not be confused with the public good. This can be provided by a private operator (drinking water supply, security, education, health) and depending on the situation; a common good (sand beach) may become public (the public maritime domain) or private (the beach hotel).

culturelles du concepteur. Ceci afin d'être validés et mis en oeuvre en fonction de savoirs académiques et professionnels (Donadieu, 2012).

L'analyse inventive préconisée par Bernard Lassus reconnaît le déjà là et le dévoile. Elle en invente la possibilité (par l'imagerie du projet). Le projet collectif (ou sociétal) de paysage construit la *communauté de perception du territoire* autant que sa matérialité, à toutes échelles d'espaces et de temps. Il permet, en construisant le récit appropriable de cette construction, l'émergence *des expériences sensibles, individuelles et collectives*, sans en décider la nature (le sujet est libre). Il donne simultanément des réponses concrètes et techniques pour prévenir *les risques environnementaux locaux et globaux* (biodiversité, énergies post pétrole, réchauffement climatique, inondation, destruction des ressources naturelles) et sociétaux (amnésie locale, ségrégation sociale dans l'espace, perte de confiance dans la qualité de l'alimentation, etc.).

Ce que dit et promet la notion de paysage par sa dimension instrumentale reprend ses quatre autres facettes historiques (le territoire, l'imaginaire, l'environnement et l'expérience sensible). Elle les réunit solidement de façon à ce que la finalité du bien commun désiré prennent formes construites.

Dépasser ces notions héritées de paysage revient alors à admettre simul-

tanément leur unicité ressentie (ce que je perçois est pour moi *unique* et vrai) et la *diversité* des compréhensions possibles par les autres.

Le paysage, qui est le monde local avec lequel nous existons, peut alors devenir un bien commun.

• **Construire les paysages comme bien(s) commun(s) aux êtres vivants**

L'idée de bien commun réunit tous les éléments matériels et immatériels qui apportent des bienfaits espérés aux hommes et aux vivants non humains. Elle désigne deux idées distinctes.

Selon les économistes et les juristes, un *bien commun* est une *ressource accessible à tous*, mais avec compétition possible et risque de destruction du bien. On parle en général des biens communs comme l'air que nous respirons, l'eau que nous buvons ou les plages où nous pouvons bronzer.

Ils sont différents des *biens publics*, accessibles à tous (ou au plus grand nombre) sans compétition possible en principe et hors marché. Ils sont distincts des biens clubs accessibles à un groupe (une copropriété immobilière par exemple) et des biens privés.

Rappelons que le service public ne se confond pas avec le bien public. Ce dernier peut être fourni par un opérateur privé (approvisionnement en eau potable, services de sécurité, d'éducation, de santé). Et selon les situations,

### فهرست منابع

- Berque, A. (2008). *La pensée paysagère*. Paris : ArchiBooks, coll. Crossborders.
- Collot, M. (2011). *La pensée-paysage*. Arles: Actes Sud.
- Decamps, H. & Decamps, O. (2004). *Au printemps des paysages*. Paris: Buchet-Chastel, Ecologie.
- Dewey, J. (2000). *Le public et ses problèmes*. Paris : Folio essais.
- Donadieu, P. (2012). *Sciences du paysage, entre théories et pratiques*. Paris : Lavoisier, chapitre 12.
- Jullien, F. (2005). *Nourrir sa vie à l'écart du bonheur*. Paris : Seuil.
- Luginbuhl, Y. (2012). *La mise en scène du monde, construction du paysage européen*. Paris : CNRS.
- Roger, A. (1997). *Court traité du paysage*. Paris: Gallimard.
- Tiberghien, G. & Besse, J. M. (2004). *Hodologique, suivi de quatre notes conjointes*. in *Les carnets du paysage*, (11).

### پی‌نوشت

- public goods
- real clubs
- private property
- National, supranational, subnational
- در این‌جا به تفکر و فیلسوف اشاره می‌شود : Dewey, 2000 و Jullien, 2005

نوع‌دوستی، عدالت، آموزش، متمول بودن، ... که بسته به فرهنگ و تاریخ در شکل‌های مادی و غیرمادی متنوعی نمود پیدا می‌کند.

اطلاق اصطلاح دارایی مشترک به منظر، نیازمند به‌کار بستن هر دو ایده ذکر شده است : منبع (مادی و چنان‌که ادراک شده) و ارزش (چنان‌که مورد ادعاست).

حال، "دارایی مشترک منظرین" کانسبت نوبی است برای توصیف روابط میان فضای مادی و انسان‌هایی که آن را ادراک می‌کنند، تولید می‌کنند و در آن می‌زیند. دارایی مشترک منظرین همه فضای مادی قابل ادراک - به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم؛ را در بر می‌گیرد. دارایی همچنین با ارزش‌های اخلاقی و زیباشناسی در چشم‌اندازی اشتراکی و نه فردی، قضاوت می‌شود. دارایی مشترک منظرین از یک سو یک محیط جغرافیایی سرزمینی مثلاً ملی، فرا - ملی و فرو - ملی<sup>۴</sup> را فرض می‌گیرد، از سوی دیگر گروه‌های انسانی که مکان‌ها نزد آنها معنای مشترک پیدا می‌کنند را شامل می‌شود. این دارایی در عمل، مکانی است که ساکنان‌اش در آن تفکر کرده و به دیده پروژه (زیستگاه) با همکاری قدرت‌های عمومی مرتبط به آن می‌نگرند.

در شرایطی که غرب به دنبال ایده‌آل‌های شخصی برای زندگی خوش و حتی آرمان‌گرایی به‌سر می‌برد و شرق به همراهی با جریان زندگی فاقد ایده‌آل انسانی بسنده کرده، آیا ساخت پراگماتیست و دموکراتیک یک مکان مشترک زیست قلمرومند در اقتصاد جهانی شده، برای همه راهبرد اساسی ما نیست<sup>۵</sup>؟

## The landscape as a Common Good

Thoughts and practices of spatial planning face major transitions under way companies. Widespread urban cultures in a context of chronic crisis force us to rethink the opposition between rural and urban, between nature and artifice, but also between local and global.

Therefore, the concept of landscape, which inherits the cultural history of Europe and Asia, would not it be reheard as an academic field of science? Shouldn't landscape be constructed as common good registered in the territories as circles of human and non-human life?

### • The landscape: a legacy to revisit

Landscape means that we perceive the world that we live with our five senses. The concept is complex because it involves five different meanings of man's relationship to mate-

Pierre Donadieu, Professor emeritus of landscape sciences, National School of landscape Versailles-Marseille, France



Pierre Donadieu, Professeur émérite de sciences du paysage, Ecole nationale supérieure de paysage de Versailles-Marseille, France.

## Le paysage comme bien commun

Les pensées et les pratiques de l'aménagement de l'espace se heurtent à une transition majeure des sociétés en cours. L'urbanisation généralisée des cultures dans un contexte de crises chroniques oblige à repenser l'opposition entre rural et urbain, entre natures et artifices, mais aussi entre local et global.

De ce fait, la notion de paysage, qui hérite des histoires culturelles de l'Europe et de l'Asie, ne doit-elle pas être réinstruite en tant que champ scientifique académique ? En tant que milieux de la vie humaine et non humaine, les paysages ne peuvent-ils pas être construits comme des biens communs inscrits dans des territoires ?

rial and immaterial worlds, that is to say, the community of human and non-human life.

Landscape means historically, particularly in northern Europe, lived the territory of a country steeped in community (meaning then developed by the human geography in the nineteenth century); (Luginbuhl, 2012), the representations of space in painting and literature of countries (from the sixteenth century in the West, the fourth century in Asia); (Roger, 1997), subject to certain natural sciences (biogeography, landscape ecology and other environmental disciplines); (Decamps & Decamps, 2004), the sensory experiences of the world (Tiberghien & besse, 2004) theorized by phenomenology in the twentieth century and landscape project used by architects and engineers, landscapers and theorized in the early 21st century (Berque, 2008).

From methods of garden art and architecture, the landscape project has become a land of the living space tool. It is able to reveal and show the idea or concept that can be extracted from a situation (such as a website and a program) and cultural references of the designer. This is to be validated and implemented based on academic and professional knowledge (Donadieu, 2012).

### • Le paysage : un héritage à revisiter

Le paysage désigne ce que l'on perçoit du monde que l'on habite avec ses cinq sens. La notion est cependant complexe car elle réunit cinq acceptations différentes de la relation des hommes aux mondes matériel et immatériel, c'est-à-dire aux milieux de la vie humaine et non humaine.

Le paysage désigne historiquement, notamment en Europe du nord, le territoire vécu d'une communauté ancrée dans un pays (acception développée ensuite par la géographie humaine au XIXe siècle); (Luginbuhl, 2012), les représentations de l'espace par la peinture et la littérature d'un pays (à partir du XVIe siècle en Occident, du IVe siècle en Asie); (Roger, 1997), l'objet de certaines sciences de la nature (biogéographie, écologie du paysage et autres disciplines environnementales); (Henri et Odile, 2004), les expériences sensibles du monde (Berque, 2008) théorisées par la phénoménologie au XXe siècle et le projet de paysage utilisé par les architectes et ingénieurs paysagistes et théorisé au début des années 2000 (Tiberghian & Besse, 2004).

Issu des méthodes de l'art des jardins et de l'architecture, le projet de paysage est devenu un outil d'aménagement de l'espace habité. Celui-ci est apte à révéler et à montrer l'idée ou le concept qui peuvent être extraits d'une situation (notamment d'un site et d'un programme) et des références